

گفت و گوی روزنامه صبا با حمیده چوبک باستان شناس

زنی که الموت را از دل تاریخ بیرون کشید

قلعه الموت میراثی جهانی با رازهای ناگشوده

سروین دهقان

گفت و گو

قلعه الموت برای سال‌ها بیش از هر چیز با نام اسماعیلیان و روایت‌های تاریخی درباره حسن صباح شناخته می‌شد، اما پشت این شهرت تاریخی، محوطه‌ای گسترده با لایه‌های متنوع فرهنگی، معماری، علمی، نظامی و اجتماعی قرار داشت که شناخت آن نیازمند سال‌ها پژوهش و کاوش بود. برای حمیده چوبک، باستان‌شناس برجسته و مدیر پروژه ثبت جهانی الموت این شناخت یک پروژه کوتاه‌مدت نبود؛ نزدیک به ۲۵ سال از زندگی حرفه‌ای او با الموت گره خورده؛ از نخستین فصل‌های کاوش و مطالعه تا بررسی دژهای پیرامون، شناخت نظام دفاعی و شبکه ارتباطی آنها، مطالعه شیوه‌های تأمین و مدیریت آب و تلاش برای حفاظت و مرمت آنچه از این مجموعه تاریخی باقی مانده است. در این مسیر، الموت آرام‌آرام از تصویر آشنای یک قلعه نظامی فاصله گرفت و نشانه‌هایی از یک ساختار پیچیده فرهنگی و تمدنی را آشکار کرد؛ مجموعه‌ای که در آن از معماری و مهندسی آب تا پزشکی، داروسازی گیاهی، نجوم و سازمان اجتماعی می‌توان سرنخ‌هایی یافت. ثبت جهانی قلعه الموت و استحکامات وابسته، حاصل سال‌ها کار میدانی، پژوهش، مستندسازی و پیگیری‌های علمی بود؛ اتفاقی که برای چوبک پس از یک عمر کار در این محوطه، لحظه‌ای عاطفی و ماندگار رقم زد. احمد مسجدجامعی، وزیر اسبق وزارت فرهنگ، نیز با اشاره به تلاش‌های حمیده چوبک و فاطمه کریمی برای شناخت و معرفی قلعه‌های الموت، معتقد است باید نام این دو پژوهشگر در این منطقه ماندگار شود. با این حال، این ثبت پایان داستان نیست؛ چوبک می‌گوید شاید تنها ۳۰ تا ۴۰ درصد از خود قلعه کاوش شده و دژهای دیگری در منطقه همچنان نیازمند پژوهش‌اند. حالا پرسش مهم این است که پس از ثبت جهانی، چه سرنوشتی در انتظار الموت است؛ میراثی که از یک سو نیازمند کاوش و حفاظت بیشتر است و از سوی دیگر، در صورت مدیریت نادرست گردشگری، ممکن است با تهدیدهای تازه‌ای روبه‌رو شود. در گفت‌وگو با حمیده چوبک، ۲۵ سال حضور او در الموت، دشواری‌های این مسیر، یافته‌هایی که تصویر این قلعه را تغییر داد و نگرانی‌های امروز درباره آینده این میراث جهانی را مرور کرده‌ایم.

○ شما اشاره کردید که هدف اصلی، ثبت جهانی بود. می‌خواهم بدانم در این ۲۵ سال، سخت‌ترین لحظه‌ای که احساس کردید شاید این هدف هیچ‌وقت محقق نشود، چه زمانی بود؟

واقعیت این است که هیچ‌وقت چنین احساسی نداشتم. شرایط کار بسیار دشوار بود؛ کار در پرتگاه، امکانات محدود و گاهی اعتبارات محدود. اما به‌هرحال چون این پروژه جزو پروژه‌های ملی بود، کار به‌طور مداوم ادامه پیدا کرد و همین تداوم، به کار ارزش می‌داد و خودش تبدیل به یک الگوی مدیریتی شد. البته مشکلات مختلفی داشتیم. حمل‌ونقل مصالح به قلعه یکی از مشکلات بود. گاهی متخصص کافی در اختیار نداشتم. در مقطعی حدود ۲۰ تا ۳۰ متخصص در پروژه فعالیت می‌کردند، اما به‌مرور تعداد متخصصان کمتر شد. این‌ها مشکلاتی بود که وجود داشت، اما هیچ‌وقت ناامید نبودیم. قلعه الموت بالقوه دارای ارزش جهانی بود و بنابراین ثبت جهانی آن، اگر کارمان را درست انجام می‌دادیم، دور از دسترس نبود. ما باید وظیفه خودمان را انجام می‌دادیم و محوطه را به معیارهایی می‌رساندیم که برای ثبت جهانی قابل قبول باشد و خوشبختانه این اتفاق افتاد.

○ در این ۱۶ فصل کاوش باستان‌شناسی که در الموت انجام شده، مهم‌ترین یافته‌ای که نگاه ما را نسبت به قلعه یا حکومت اسماعیلیان تغییر داده، چه بوده است؟

تقریباً همه یافته‌ها مهم بوده‌اند، اما اگر بخواهم به مهم‌ترین محورهایی که شناخت ما را تغییر داده‌اند اشاره کنم، نخست باید به شبکه قلعه‌ها اشاره کنم. ما با یک قلعه منفرد مواجه نیستیم، بلکه با یک شبکه از قلعه‌های بهم‌پیوسته و هم‌پوشان روبه‌رو هستیم. این قلعه‌ها یکپارچه‌اند، اما هرکدام درجه و کارکرد متفاوتی داشته‌اند. محل اقامت و فرمانروایی بوده، دیگری سنگری بوده که تقریباً غیرقابل تصرف بوده و برخی نیز نقش راه‌داری یا پوشش مسیرها را داشته‌اند. شناخت این مجموعه در کنار هم و درک یکپارچگی آن، بسیار مهم است. مجموعه قلعه‌ها در کنار یکدیگر یک هدف خاص را دنبال می‌کردند و یک حرکت دفاعی و مقاومتی را پشتیبانی می‌کردند. موضوع دوم، نظام استحکامات نظامی است. بخشی از این استحکامات کاملاً طبیعی بوده و بخشی نیز ساخته دست انسان است. ساخت دیوارها، دیده‌بانی‌ها و دیگر عناصر دفاعی نشان‌دهنده دانش بالایی است که در طراحی و ساخت این مجموعه به کار گرفته شده است. موضوع بسیار مهم دیگر، نظام آبیاری و مهندسی آب است. اینکه ساکنان قلعه چگونه آب مورد نیاز خود را تأمین می‌کردند تا بتوانند در مقابل محاصره‌های طولانی مقاومت کنند، مسئله بسیار مهمی است. انبارهای غذا نیز در همین ارتباط اهمیت زیادی دارند. اما شاید یکی از مهم‌ترین بخش‌هایی که نشان‌دهنده جایگاه این منطقه به‌عنوان یکی از مراکز مهم تشیع در ایران و جهان است، بحث بنای گنبدخانه یا «مولاسرا» باشد که در متون با عنوان «ملا سرا» از آن نام برده شده است. این بنا کاملاً با آموزه مهم ولایت و امامت همپوشانی دارد و از این نظر اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. در عین حال، ارزش‌های معماری بالایی نیز دارد. همه این موارد نشان می‌دهد که الموت فقط یک قلعه نظامی یا دفاعی نبوده است. اینجا یک مرکز علمی و دانشی هم بوده است. ما نشانه‌های مختلفی از دانش‌های گوناگون آن دوره را می‌بینیم. دانشی که در اینجا وجود داشته، محدود به یک حوزه نبوده است. آن‌ها از بهترین متخصصان زمان خود استفاده می‌کردند و حتی در همان زمان، این مجموعه جنبه‌ای جهانی داشته است؛ یعنی از ظرفیت‌های علمی و فنی مختلف استفاده شده، چه در معماری، چه در شبکه نظامی و چه در مهندسی آب. همچنین دانش نجوم، طبابت،

پزشکی و داروهای گیاهی در این مجموعه اهمیت داشته است. بنابراین ارزش‌های الموت فراتر از یک قلعه نظامی یا دفاعی است. ما با یک خاستگاه مهم فرهنگی و تمدنی مواجهیم که در دوره خود نقش مهمی در جهان داشته است. در ایران آثار زیادی نداریم که بتوانند چنین نقشی را نشان دهند. قلعه الموت از این نظر یکی از سرآمدترین و مهم‌ترین میراث‌های ماست. اگر بخواهیم نمونه‌های دیگری را نام ببریم، می‌توان به تخت جمشید و برخی بناهای دیگر اشاره کرد. در جهان نیز بناهایی مانند کعبه جایگاه و تداوم تاریخی ویژه‌ای دارند. الموت هم یکی از مهم‌ترین میراث‌های جهانی است که مجموعه‌ای از این ارزش‌ها را در خود جای داده و بر همین اساس توانست با این معیارها ثبت جهانی شود.

○ یکی از نکات جالب درباره پرونده الموت، تبدیل قلعه به یک شبکه دفاعی متشکل از چندین استحکامات است. از نظر باستان‌شناسی، مهم‌ترین چیزی که این قلعه‌ها را به یک نظام واحد تبدیل می‌کند چیست؟

همان‌طور که گفتم، این قلعه‌ها در یک قلمرو کوهستانی قرار دارند و خود دیوارها و ساختار طبیعی کوهستان، بخشی از این نظام یکپارچه دفاعی را شکل داده است. قلعه‌ها درون این شبکه طبیعی قرار گرفته‌اند و با یکدیگر ارتباط دارند. نمی‌توان یکی را از مجموعه جدا کرد و گفت فقط همان قلعه اهمیت دارد. حتی در ابتدای کار، یکی از مشکلاتی که داشتیم این بود که برخی می‌گفتند فقط خود قلعه الموت ثبت جهانی شود، در حالی که قلعه الموت بدون قلعه‌های دیگر اصلاً نمی‌توانسته به حیات خود ادامه دهد. حیات آن وابسته به این مجموعه بوده است. این قلعه‌ها به شکلی طراحی شده‌اند که دو به دو یا سه به سه با یکدیگر دید داشته باشند و پوشش دفاعی و نظامی ایجاد کنند. بنابراین آن‌قدر روشن و بدیهی است که این مجموعه یکپارچه و به‌هم‌پیوسته است که نمی‌توان قلعه‌ها را جدا از یکدیگر دید. خوشبختانه در ثبت جهانی نیز این مسئله مورد توجه قرار گرفت.

○ یعنی در پرونده ثبت جهانی، تعریف محدوده یا مشکل خاصی روبه‌رو نشد؟

نه، به‌طور کلی این پرونده از این نظر مشکل خاصی نداشت. ممکن است همه پرونده‌ها مشکلاتی داشته باشند، اما در مورد الموت، به دلیل روشن بودن تعریف محدوده و مطالعاتی که انجام شده بود، مسئله مشخص بود. نکته مهم این است که ما باید شناخت درستی از محدوده‌های میراث فرهنگی داشته باشیم و این شناخت از طریق مطالعات دقیق به دست می‌آید.

○ در طول این ۲۵ سال، کدام بخش قلعه الموت بیشترین آسیب را دیده و امروز بیشتر از همه نیازمند مداخله حفاظتی است؟

یکی از مشکلات اصلی مابخش‌های پیرامونی و بخش‌هایی است که در پرتگاه قرار دارند؛ به‌ویژه دیوارهای دفاعی. این دیوارها در طول

در نهایت پرونده آن برای ثبت جهانی آماده شود. این اتفاق در طول ۲۵ سال رخ داد. با آغاز فعالیت پایگاه میراث فرهنگی الموت که در مقابل قلعه قرار دارد، کار به‌صورت مستمر آغاز شد. در این مدت ۱۶ فصل کاوش باستان‌شناسی در قلعه انجام شد و علاوه بر خود قلعه، کل منطقه الموت نیز مورد بررسی قرار گرفت. ما تلاش کردیم تمام لایه‌های ارزشمند منطقه را از جنبه‌های مختلف مطالعه کنیم؛ از گیاه‌شناسی و مردم‌شناسی گرفته تا منابع طبیعی، امامزاده‌ها، میراث فرهنگی و موضوعات مرتبط با مردم‌شناسی. بنابراین یک کار میان‌رشته‌ای شکل گرفت و با حضور مداوم کارشناسان در رده‌ها و حوزه‌های مختلف، مطالعات ادامه پیدا کرد. از سوی دیگر، با توجه به استانداردهایی که برای ثبت جهانی وجود داشت، موضوع پایش مداوم، حفاظت و مرمت نیز اهمیت زیادی پیدا کرد. حتی در انتخاب و استفاده از ملات، تلاش شد استانداردها رعایت شود و از مصالح و ملات‌هایی استفاده کنیم که با آنچه در خود قلعه وجود داشته، هماهنگ باشد. همچنین لایه‌های مختلف تاریخی، از جمله لایه‌های مربوط به دوره صفویه که در بخش‌هایی بر بالای قلعه قرار داشت، حفظ شدند. در نهایت همه این اقدامات در کنار هم قرار گرفت و خوشبختانه قلعه الموت به ثبت جهانی رسید.

○ در ابتدا می‌خواهم درباره این موضوع صحبت کنیم که چه شد تصمیم گرفتید پژوهش و کاوش‌های باستان‌شناسی قلعه الموت را آغاز کنید؟ چه پرسش یا دغدغه‌ای درباره این محوطه تاریخی، انگیزه شما برای ورود به این پروژه بود؟

قلعه الموت از ابتدا محوطه‌ای ناشناخته نبود. این قلعه شهرت جهانی دارد و با تاریخ و فرهنگ اسماعیلی در منطقه شناخته شده است. از قرن چهاردهم میلادی به بعد هم در نوشته‌های غربی‌ها، سفرنامه‌ها و منابع تاریخی درباره آن مطالب مختلفی آمده است. بنابراین نمی‌توان گفت که ما با موضوعی کاملاً ناشناخته مواجه بودیم که یک پرسش خاص و بی‌پاسخ درباره آن وجود داشته باشد. موضوع از اینجا آغاز شد که در سال ۱۳۷۹، قلعه الموت به‌عنوان بخشی از یک پروژه ملی بزرگ در وزارت میراث فرهنگی مطرح شد تا بتواند در سطح جهانی مطرح شود و ارزش‌های آن برای ثبت جهانی شناسایی و مستند شود. طبیعتاً برای رسیدن به چنین هدفی، نیازمند یک مدیریت با استانداردهای بین‌المللی بودیم؛ مدیریتی که بتواند پژوهش، حفاظت، مرمت، معرفی و تولید محتوا را در کنار هم پیش ببرد و درباره موضوعی که شناخته شده بود، محتوای علمی جدید تولید کند تا ارزش‌های شاخص آن برجسته و شناسایی شوند و